[صدو سی و نه]

> در اصل توسط **hosyn** نوشته شده است
>
> [illegible]

خیلی خیلی عالی بود

تازه وجه تاکید شما بر هویت شخصیتی را فهمیدم

وفقکم الله لمرضاته

اگر درست فهمیده باشم

پاسخ این سخن حقیر که عرض کردم بار استدلال را بر دوش مخاطب می اندازید این است که اساسا تحدی به هویت شخصیتی معنایی جز این ندارد که طرف مقابل عجز خود را در برابر این هویت شخصیتی مقابل خود احساس کند؛ و درک احساس این عجز هم معنایی ندارد جز اینکه بخواهد هویت رقیبی برای او بیاورد و در خصوص اینکه این هویت رقیب هست یا نه باید گام به گام بحث کرد.

خوب؛ مشکلی که می ماند این است که اثبات مثل بودن یا نبودن (توجه شود که مقام اثبات را می گویم) خیلی وابسته به توان استدلالی افراد درگیر در بحث می شود. یعنی اگر زمانی کسی (مثلا یک متخصص بلاغت) کتابی بیاورد و ادعای مثلیت کند و مدافعان قرآن نه آن اندازه در بلاغت ورزیده باشند و نه این حیثیات را توجه داشته باشند و نتوانند نشان دهند که واقعا آن متن آورده شده مثل قرآن نیست؛ آن وقت قرآن نزد مخاطبان زمینی می خورد! که احتمالا پاسخ این باشد که آن نظریه صرفه را همینجا باید فهم کرد. یعنی این فرض اگرچه محال ذاتی نیست اما محال وقوعی است و مثلا اگر مدعی پیدا شود حتما خداوند فرد اقوایی از او را در این امت قرار می دهد که بر او غلبه کند.

آنگاه ثمره این بحث آن می شود که ما (به عنوان کسی که می خواهیم در مقابل شبهات دفاع کنیم) باید هرچه بیشتر حیثیات مختلف این هویت شخصیتی را بشناسیم و ظرفیتهای مخاطب در درک این حیثیات را هم بشناسیم. آنگاه شناخت اینکه قرآن تدوینی تکوینی است فهم ما را از این

هویت شخصیتی تقویت می کند. لذا ممکن است خود این مسالهٔ در هیچ دفاع خاصی به کار نیاید اما در عین حال بصیرت ما در فهم این هویت شخصیتی قرآن را بالا می برد و به فرمایش شما پشتوانه می شود برای توجه به هر حیثیت دیگری از قرآن که به نظرمان می رسد تاکید بر آن حیثیت می تواند ادعای مثلیت مطرح شده را زمین بزند.

درست فهمیدم[1]؟

---

[1] پست کاربر Hosein-

بازبینی #1
ایجاد شده 16 آوریل 2025 13:59:00 توسط ... .
به روزرسانی شده 16 آوریل 2025 13:59:33 توسط ... .